



گفت‌وگوهای ایران و آمریکا از نظرگاه فرانک مک‌نزی فرمانده سابق سنتکام

تمرکز باید بر موضوع هسته‌ای باشد



روح‌اله نخعی
خبرنگار گروه دیپلماسی

مذاکرات بین ایران و آمریکا، همچنان با میانجیگری عمان در جریان است. دیروز همزمان با مذاکرات مقامات سیاست خارجی، کارشناسان نیز برای بحث‌های فنی بر سر میزها بودند. این مذاکرات البته در حالی واقع می‌شوند که تا همین چند هفته پیش، بحث بر سر احتمال تقابل نظامی بالا بود. هنوز هم، لاقفل در آمریکا، گزینه تقابل نظامی حذف نشده است. در چنین وضعیتی، خالی از فایده نیست که مواضع یک نظامی کهنه کار آمریکایی در این باره مرور شود. کنت فرانکلین مک‌نزی، ژنرال چهارستاره بازنشسته و فرمانده سابق فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا با همان «سنتکام»، مدیر مؤسسه امنیت ملی و جهانی دانشگاه فلوریدا جنوبی است که سابقه‌ای ۴۲ ساله در نیروی دریایی ایالات متحده را دارد. او به واسطه حرفه‌اش هم با مسئله تسلیحات هسته‌ای آشناست و هم منبع خوبی برای آگاهی از تفکرات نظامی در ایالات متحده نسبت به ایران است. آنچه در ادامه می‌خوانید، ترجمه مصاحبه‌ای است که او در اندیشکده تحت مدیریتش درباره مذاکرات ایالات متحده با ایران داشته است. مواضع او در این مصاحبه، البته مورد تأیید هم‌میهن نیست و انتشار آن‌ها، صرفاً برای آشنایی مخاطبان و افکار عمومی ایران با طرز فکر و نظرگاه نظامیان آمریکا به مسئله مذاکرات دو کشور به طور مشخص و ایران به طور کلی است.

زیادی از ظرفیت‌شان دچار فرسایش جدی شده است، همین‌طور بخش‌هایی از توانایی تولید موشک‌شان؛ بنابراین ایران الان در وضعیت بسیار خطرناکی است، شاید خطرناک‌ترین وضعیتی که من در طول کار حرفه‌ای ام روی این موضوع، به خاطر دارم.

خب حالا که ایران در وضعیت نامساعدی است، چه برگه‌هایی را به میز مذاکره می‌آورند؟
نقل قول معروفی است از یک فرمانده پیشین سنتکام - من نه - که می‌گفت، ایران تابه‌حال جنگی ندیده که بتواند ببرد یا مذاکره‌ای که بتواند ببازد؛ بنابراین ایران به دنبال این خواهد بود که این مذاکرات را طولانی کند، درباره اندازه میز مذاکره کند، درباره اینکه چند نفر سر میز خواهند بود، چه کسی حرف خواهد زد، چه کسی حرف نخواهد زد، همه با این نیت که در موضوع تأخیر ایجاد کند؛ بنابراین رویکرد ما باید خیلی مستقیم باشد و باید وقتی به سراغ این مذاکرات می‌رویم، چماقی در دست داشته باشیم و نیز هویجی. الان هم در موقعیت منحصربه‌فردی برای این کار هستیم، به شکلی که قبلاً نبوده‌ایم، عمدتاً به این خاطر که دولت فعلی نشان داده، اراده این را دارد که ایران را مستقیم تهدید کند. در واقع همین حالا دارد از طریق یکی از نیابتی‌های ایران، حوثی‌های یمن، این کار را می‌کند و این گروه، راهی به سمت ایران است. به نظرم تفاوت این مذاکرات و چیزی که باعث می‌شود به نفع ایران باشد که این بار راه متفاوتی برگزیند، این است که به این نکته توجه کنند: گرچه آن‌ها همیشه توانایی‌های ما را می‌دانسته‌اند، همیشه به اراده ما شک داشته‌اند. حالا اراده در دولت فعلی، دولت ترامپ، کاملاً به صحنه برگشته است.

چون دولت ترامپ دو ناوگروه به منطقه فرستاده

هیئت‌های ایران و آمریکا همین چند روز پیش با هم در عمان دیدار کردند. الان که هیئت‌های آمریکا و ایران دیدار می‌کنند و درباره این موضوع صحبت می‌کنند، وضعیت فعلی چگونه است؟
همان‌طور که گفتید، اولین جلسه‌مان را داشتیم. چیز زیادی نمی‌دانم غیر از اینکه سلام و تعارفاتی ردوبدل شده. امیدوارم مذاکرات مستقیمی در کار بوده باشد. معلوم نیست چنین بوده یا نه. قطعاً فکر می‌کنم این مذاکرات با ایران، باید مستقیم باشد. نباید طرف صحبت سومی در کار باشد. ما نباید این را بپذیریم. نتیجه طبیعی این وضعیت این است که ایران از این به‌عنوان یک فن مذاکره استفاده خواهد کرد و به دنبال این خواهد رفت که صرفاً برای امتیاز و فرصت دیدار از ما امتیاز بگیرد. به نظرم بهترین راه برای این مذاکرات این است که قاطعانه این [غیرمستقیم‌بودن] را رد کنیم و بخواهیم که مستقیم با مذاکره کنندگان ما دیدار کنند، بدون طرف سوم میانجی. فکر می‌کنم این خیلی مهم خواهد بود.

اما در کلیت موضوع، ایران الان در موضع ضعف است. متحدشان، حزب‌الله لبنان، به عنوان گزینه حمله به اسرائیل از روی میز حذف شده؛ سوریه، به شکل سوریه‌ای که آن‌ها زمانی می‌شناختند، دیگر وجود ندارد و این برایشان خیلی خطرناک بوده است؛ به‌علاوه، در زدوخورد «این به آن در» که در چندین ماه گذشته با اسرائیل داشته‌اند، ایران تا حد زیادی در وضعیت بدی قرار گرفته است. حملات‌شان به اسرائیل عمدتاً بی‌اثر بوده است، در حالی که حملات اسرائیل به ایران، دقیق و مؤثر بوده و در واقع توانایی دفاع هوایی ایران را تا حد زیادی کاهش داده است. نمی‌خواهم بگویم دفاع هوایی ایران از بین رفته است، چون چنین نیست؛ اما بخش

سلاح‌ها استفاده نشود و فکر می‌کنم این روی بقیه کشورها هم اثر داشته است. هیچ‌کس نمی‌خواهد اولینی باشد که از این سلاح‌ها استفاده می‌کند؛ اما فکر می‌کنم این تابویی نیست که تا ابد ماندگار بماند. در نهایت شاهد استفاده از این سلاح‌ها خواهیم بود. می‌توانید انتخاب کنید که به نظر شما کجا خواهد بود. آیا در شبه‌قاره هند خواهد بود، در دریای چین هند و پاکستان؟ آیا تهدید ولادیمیر پوتین علیه ناتو خواهد بود، به خاطر چیزی که در اوکراین اتفاق خواهد افتاد؟ یا حتی در آینده و بعد از اوکراین؟ چون حتی اگر مسئله اوکراین، با هر نتیجه‌ای حل شود، این سلاح‌ها جایی نخواهند رفت؛ بنابراین، این‌ها مسائلی هستند که برای من خیلی نگران‌کننده‌اند.

وقتی به اوکراین نگاه می‌کنیم و چند کشور دیگر که این سلاح‌ها را رها کرده‌اند، یعنی داوستاند و کنار گذاشته‌اند، مثل اوکراین در دهه ۹۰ و همین‌طور قزاقستان در دهه ۹۰ و آفریقای جنوبی، یا به کشورهای مثل لیبی و ایران نگاه می‌کنیم که در مقطعی لب مرز داشتن سلاح هسته‌ای قرار گرفته‌اند، این کشورها الان و در طول



عکس: New York Times

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

LOCAL PERSPECTIVE, GLOBAL VISION

DAILY SABAH

چالش‌های بهبود روابط تهران - ریاض

فضای گفت‌وگو بین عربستان سعودی و ایران همچنان شکننده و برگشت‌پذیر است. فقدان سازوکارهای نهادینه اعتمادساز، تداوم رقابت‌های نیابتی و پیوسته‌شناسی‌های آسیب‌زننده خارجی، به‌خصوص از سوی اسرائیل و نیز گروه‌های تندرو در ایران، ممکن است مانع ثبات بلندمدت در روابط بین دو پایگاه قدرت در منطقه شود. سفر اخیر وزیر دفاع سعودی به تهران، راه جدیدی بین دو کشور گشود اما تضمین امنیت خلیج [فارس] نیازمند چیزی فراتر از دیدارهای دوجانبه است.

توافق پکن، به شکلی گسترده به‌عنوان پیشرفتی در منطقه که می‌تواند تنش‌ها را در یمن، لبنان، عراق و کل منطقه کاهش دهد، مورد تمجید واقع شد؛ اما اکنون، دو سال بعد، بسیاری از مسائل ساختاری که بنیان رقابت ریاض-تهران را می‌سازند، برجا هستند. با این پس‌زمینه، سفیر اخیر وزیر دفاع عربستان به تهران که سطح بالاترین تعامل نظامیان سعودی با ایران از سال ۱۹۷۹ است، نمایانگر تلاشی است برای گذر از عادی‌سازی نمادین به سوی گفت‌وگویی اساسی، اگر چه شکننده، بر سر امنیت منطقه.

عادی‌سازی، روابط دیپلماتیک را احیا کرد اما رقابت باقی مانده است. بعد از سقوط رژیم بشار اسد، مقامات سعودی به سرعت به لبنان و سوریه سفر و تلاش کردند از کاهش نفوذ ایران در این کشورها استفاده کنند. از این رو، سفر خالد بن سلمان به تهران نشانه تمایل محتاطانه ریاض به بررسی اقدامات اعتمادساز در مسائل مربوط به امنیت است؛ با این حال، این بیشتر تعاملی تاکتیکی است تا اتحادی راهبردی. دو کشور همچنان عمیقاً بر سر مسائل سیاسی اختلاف دارند؛ از جمله بر سر حمایت ایران از گروه‌های مسلح غیردولتی مانند حوثی‌ها، حزب‌الله و حماس؛ روابط عربستان با ایالات متحده و اسرائیل و چشم‌اندازهای متضاد دو طرف درباره رهبری منطقه در دنیای اسلام؛ با این حال، این حقیقت که این مقام وزارت دفاع عربستان مورد استقبال آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم ایران، مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور و سرلشکر محمد باقری قرار گرفت، حاکی از این است که تهران به همان اندازه مایل به کاهش گستردگی بیش از حد تنش‌های راهبردی و نیز تنش‌های فراینده با اسرائیل و غرب است.

سوال دیگر این است: آیا تنش‌زدایی ایران و عربستان، تسهیل‌گر مسیر دیپلماتیک برای گفت‌وگوی آمریکا و ایران است؟ پاسخ این سوال، با احتیاط مثبت است. با عادی‌سازی روابط ریاض و تهران، مسئله منزوی‌کردن کامل ایران به‌عنوان یکی از ستون‌های راهبرد فشار حداکثری آمریکا تضعیف می‌شود. این ممکن است به تهران انگیزه دهد که موضع منطقه‌ای‌اش را به نفع فضای تنفس اقتصادی، تعدیل کند. با این حال لاقفل برخی در واشنگتن در این باره اطمینان ندارند. کاهش تنش منطقه‌ای، بار نظامی را کاهش می‌دهد اما در عین حال، اگر دولت‌های خلیج [فارس] به شکلی فزاینده به دنبال دیپلماسی خودمختار باشند، کار اهرم‌های فشار ایالات متحده پیچیده‌تر می‌شود. عربستان سعودی، در حال حفظ تعادل بین ساختارهای اتحاد با آمریکا و عملگرایی منطقه‌ای، بر خط باریکی حرکت می‌کند.

علی‌رغم موفقیت نمادین سفر خالد بن سلمان، چندین خطر ساختاری، ماندگاری این روند ازسرگیری روابط دیپلماتیک را تهدید می‌کنند: اول، هیچ نهادسازی بین دو کشور نشده، هیچ کمیسیون مشترک نظامی، سازوکار کاهش تنش و درگیری و سازوکار تأیید و بررسی در کار نیست. دوم، چندتکه‌بودن نیابتی‌هاست. گروه‌های مورد حمایت ایران، همچنان خودمختار و پیش‌بینی‌ناپذیرند. سوم، پیوسته‌شناسی‌های آسیب به این روند: اسرائیل تنش‌زدایی ایران و عربستان را تهدیدی برای سیاست ضدایرانی‌اش می‌بیند و ممکن است برای به‌هم‌زدنش اقدام کند. چهارم، تندرهای دو طرف، ممکن است در مقابل تلاش‌های بیشتر برای عادی‌سازی مقاومت کنند. در مجموع و در نتیجه، اگر چه فضای گفت‌وگو واقعی است، شکنندگی آن نیز واقعیت دارد. بدون محکم‌کردن پایه گفت‌وگوها به شکل چندجانبه و سازوکارهایی با حضور طرف‌های سوم، منطقه با این خطر مواجه است که به چرخه‌های محاسبات غلط و بحران برگردد. این فرصت واقعی است، خطر اتلافش نیز.

سرنوشت بشر را مدیریت مسئله هسته‌ای تعیین می‌کند

ژنرال مک‌نزی، کمی قبل از مذاکرات ایران و آمریکا هم مصاحبه مفصلی درباره وضعیت تسلیحات هسته‌ای در سطح جهان داشت. برای آشنایی بیشتر با نظرگاه نظامی آمریکایی درباره موضوع تسلیحات هسته‌ای، بخش‌هایی برگزیده از این مصاحبه را نیز در ادامه می‌خوانید:

به نظر شما درباره استفاده از سلاح هسته‌ای، تابویی بین‌المللی در کار است؟

واقعاً مایلیم این را باور کنیم، اما همه آنچه در باره تاریخ جنگ‌افزارها می‌دانم به من می‌گوید که از سلاح، استفاده می‌شود. به همین خاطر هم من نسبت به وضعیت فعلی مان در باره سلاح هسته‌ای خوش‌بین نیستیم. ما مجموعه متنوعی از توافقات تسلیحاتی با روسیه داشتیم، از دهه ۶۰ تا الان. این توافق‌ها، کم‌وبیش، راه سلاح‌های راهبردی را بسته‌اند. همان‌طور که گفتیم، توافقی روی سلاح‌های تاکتیکی نداشته‌ایم و این بسیار به ضرر ما بوده است؛ اما ما و روس‌ها توافق کلی داشتیم که از این

تاریخ گسترش سلاح هسته‌ای، چه پیمایی دریافت می‌کند؟

فکر می‌کنم برای برخی کشورها، این باور در کار است که اگر به دنبال سلاح هسته‌ای بروید و داشته باشید، حتی ظرفیت ابتدایی تسلیحات هسته‌ای، طور دیگری با شما رفتار می‌شود. کره شمالی نمونه این است. پاکستان هم از این الگو پیروی کرد. فکر می‌کنم آدم‌ها به لیبی نگاه می‌کنند و فکر می‌کنند شاید معمر قذافی در یک چاله نمی‌مرد، اگر سلاح هسته‌ای داشت. فکر هم می‌کنم خیلی دیکتاتورها در سراسر جهان به این نگاه کرده‌اند و از آن نتیجه‌هایی گرفته‌اند. همان‌طور که گفتید ۹ کشور و احتمالاً یکی بیشتر، سلاح هسته‌ای دارند. الان شاهد این نیستیم که کشورهای دیگر، با شدت و حدت به دنبالش بروند، چون لاقفل در نمونه‌ناتو و چند کشور دیگر در محدوده اقیانوس آرام، برخورداری از بازدارندگی گسترش یافته آمریکا نواسته مانع از این شود که به دنبال برنامه تسلیحات هسته‌ای مستقل بروند. بازدارندگی گسترش یافته یعنی آمریکا سیاست بازدارندگی‌اش در حوزه تسلیحات هسته‌ای را به کشوری دیگر گسترش می‌دهد و اگر به آن کشور حمله